

جامعه شناسی کنشگران علمی در ایران

دکتر محمد امین قائمی راد

دکتر فرهاد خسرو خاور

سرشناسه	قانع‌راد، محمدامین، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام‌پدیدآور	جامعه‌شناسی کنشگران علمی در ایران / محمدامین قانع‌راد، فرهاد خسروخاور.
مشخصات نشر	تهران: علم، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۱۹۲ ص، جدول.
شابک	3 - 228 - 224 - 964 - 978
وضعیت فهرست‌نویسی	فبا
یادداشت	کتابنامه: ص [۱۸۵] - ۱۹۲.
موضوع	سیاست علمی - ایران.
موضوع	تحقیق و توسعه - ایران.
موضوع	تحقیق - ایران.
موضوع	تحقیق عملی - ایران.
موضوع	جامعه‌شناسان - ایران.
موضوع	محققان - ایران.
شناسه افزوده	خسروخاور، فرهاد
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۹ ق ۲ الف ۹ / Q۱۲۷
رده‌بندی دیگری	۳۰۳ / ۴۸۳۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۱۸۰۲۴۲۰



نسخه

جامعه‌شناسی کنشگران علمی در ایران

محمدامین قانع‌راد - فرهاد خسروخاور

چاپ اول، ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لبنوگرافی: باختر

چاپ: جاووشگران نقش

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن‌سنگ گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک ۳ - ۲۲۸ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ج	پیشگفتار
۱	فصل اول: مقدمه و طرح مسئله پژوهش
۲۱	فصل دوم: جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی
۲۲	جامعه‌شناسی‌های نظام و کنشگر اجتماعی

۴۸	 برخی از نظریات جامعه‌شناختی در مورد اجتماع علمی
۶۹	 فصل سوم طرح نظری مسئله پژوهش و روش‌شناسی
۷۷	 فصل چهارم پیدایش کنشگران علمی
۹۵	 فصل پنجم دیدگاه‌های پژوهشگران درباره اجتماع علمی
۹۶	 دانشمندان خوش‌بین
۱۰۲	 دانشمندان محتاط
۱۰۷	 دانشمندان مردد
۱۱۳	 دانشمندان دل‌سرد
۱۱۵	 مقایسه و طبقه‌بندی نگرش‌ها
۱۲۱	 فصل ششم شکاف‌های موجود در اجتماع علمی
۱۲۲	 شکاف‌های نگرشی و انگیزشی
۱۲۴	 شکاف نسلی
۱۳۰	 شکاف بین علوم کاربردی و بخش صنعت
۱۳۸	 شکاف بین اجتماع علمی ایرانی و جهانی
۱۴۹	 فصل هفتم دولت، بوروکراسی و سیاست‌های علمی
۱۶۱	 فصل هشتم نگرش اجتماعی و فرهنگی دانشمندان
۱۶۹	 فصل نهم بحث و نتیجه‌گیری
۱۸۵	 پیوست
۲۳۵	 منابع

پیشگفتار

پژوهش در مورد کشتگران تکوین اجتماعات علمی و تولید دانش در ایران^۱ برای کشوری که بر اساس استاد توسعه آن در پی توسعه علمی است از ضرورت زیادی برخوردار است. چنین مطالعه ای می تواند برای اعضای جامعه علمی، پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به قلمروهای علم و سیاست علم و فناوری و نیز دست اندرکاران و مدیران نظام علمی کشور بینش های لازم را فراهم سازد. مجریان این پژوهش از نتایج مطالعه خود، که از طریق مصاحبه های رویاروی با نخبگان علمی و پژوهشگران برجسته صورت گرفته است، چندین مقاله در مجلات معتبر بین‌المللی به چاپ رسانیده‌اند^۲ ولی دستاورد آنان تا کنون در دسترس عمومی قرار نگرفته است و رساله حاضر می‌کوشد چنین نیازی را مرتفع سازد.

این کتاب شامل چند فصل است. در اولین فصل، مسئله پژوهش مطرح می‌شود. هدف ما، تحلیل نقش کشتگران علمی در زمینه‌سازی برای توسعه علمی است و بنابراین، در کل مطالعه، بر این مقوله تأکید می‌شود و این امر با نقش دولت و احتمالاً بخش‌های غیر دولتی در پیشبرد برنامه‌های علمی و پژوهشی منافاتی ندارد. موضوع مطالعه ما، به‌ویژه، مراحل اولیه شکل‌گیری اجتماعات علمی در ایران را می‌پوشاند که در آن دوره، توجه بخش عمومی، معطوف به توسعه فناوری‌های خاص بود و کمتر بر تولید دانش در مقیاس جهانی تأکید می‌شده است؛ در آن

۱. مقالات مزبور عبارت‌اند از: خسروخاور، اعتماد و مهرابی ۲۰۰۴ الف و ۲۰۰۴ ب؛ خسروخاور، قانونی‌راد ۲۰۰۶؛

خسرو خاور، قانونی راد و طلوع ۲۰۰۷.

سال‌ها، هنوز برای چاپ مقالات بین‌المللی، پاداش‌های گوناگون در نظر گرفته نشده‌بود و گاه، ارتباط با این مجلات، مورد تردید قرار می‌گرفت. در سال‌های اخیر، نقش سیاست‌ها و برنامه‌های دولت، در گستره علم و فناوری به‌ویژه، با تشکیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و توجه به توسعه علمی و توسعه مبتنی بر دانایی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، برجسته شده‌است، ولی در دو دهه اول پس از انقلاب، قلمروی تأثیر کنشگران علمی، بالاتر و برجسته‌تر بوده‌است. این پژوهش، تأثیر کنشگران علمی را در شرایط ضعف توجه عمومی به توسعه علمی، بررسی می‌کند. در فصل دوم، برخی مباحث نظری و تاریخی، در خصوص جامعه‌شناسی کنشگر اجتماعی و سوژه، مطرح می‌شود؛ دو مفهوم کنشگر و سوژه، به‌عنوان ابزارهای تحلیلی برای شناخت کردارهای مؤثر انسانی در برابر ساختارها، سودمند می‌باشند. هدف دیگر فصل دوم، طرح پاره‌ای از مسائل بنیادی جامعه‌شناسی علم با تمرکز بر مفهوم اجتماع علمی است. در این فصل، در رویکرد نهادگرا و مردم‌شناختی در مورد اجتماع علمی از همدیگر تفکیک شده و رویکرد اخیر برای تحلیل وضعیت تکوین اجتماع علمی در ایران مورد تأکید قرار می‌گیرد. در انتهای فصل دوم، این نکته یادآوری می‌شود که: "در میدان مطالعه، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی رایج، در پرتو قرار می‌گیرند و تلاش می‌شود تا اجتماع علمی و مسائل آن، از چشم‌اندازی درونی و از دیدگاه پژوهشگران نخبه، تعریف و تبیین شوند و تعریف پیش‌ساخته‌ای در این زمینه ارائه نگردد. به عبارت دیگر، تلاشی می‌شود به جای انتخاب یکی از تعاریف رایج در جامعه‌شناسی علم و مطالعه ذهنیت مصاحبه‌شوندگان بر مبنای آن، از دید خود این گروه به موضوع نزدیک شده و تعاریف آنان از وضعیت و مسائل اجتماع علمی در ایران ترسیم شود." در فصل سوم، برخی مسائل تحلیلی و روش‌شناختی روشن می‌شود. فصل‌های چهارم تا هشتم، بدنه اصلی مطالعه را تشکیل می‌دهند که در آن‌ها، دیدگاه‌های نخبگان علمی در زمینه‌های مورد مطالعه، از طریق تحلیل پدیدارشناختی متن مصاحبه‌ها بیان انواع نگرش‌های آنان، دسته‌بندی می‌شود. فصل چهارم، بیشتر جنبه تاریخی دارد و شکل‌گیری اجتماع علمی در ایران پس از انقلاب تا تأسیس مراکز پژوهشی برتر را مرور می‌کند. در فصل پنجم، دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در مورد اجتماع علمی در ایران، تحلیل و طبقه‌بندی می‌شود. فصول ششم، هفتم و هشتم نیز، به ترتیب، ذهنیت پژوهشگران برتر ایرانی را درباره شکاف‌های

موجود نگرشی و اجتماعی در علم، دیدگاه آنان دربارهٔ بوروکراسی پژوهشی و سیاست‌های علمی و، بالاخره، برخی از نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی آنان را گزارش می‌کند. در فصول چهارم تا هشتم، علاوه بر تحلیل یافته‌ها، در برخی از موارد، سخنان مصاحبه‌شوندگان، به‌طور مستقیم، در درون چارچوب‌هایی نقل می‌شوند. این چارچوب‌ها، دسترسی خوانندگان را به محتوای مصاحبه‌ها و به‌طور خاص، مهم‌ترین اظهارات مصاحبه‌شوندگان، ممکن می‌سازد و، به‌ویژه، بخشی از آنها می‌تواند مشکلات موجود را در کانون توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فعالیت‌های علمی و پژوهشی قرار دهد. آخرین فصل این کتاب، با عنوان بحث و نتیجه‌گیری، با توجه به دستاوردهای این مطالعه، به مصاف برخی از نظریات جامعه‌شناسی علم می‌رود؛ در این فصل، دیدگاه دانشمندان برتر ایرانی دربارهٔ اجتماعات علمی را، با رجوع تطبیقی به آرای جامعه‌شناسی علم، به صورت الگوبندی شده ارائه می‌کند.

این نکته باید مورد تأکید مجدد قرار گیرد که این پژوهش، سرشت و مسائل اجتماعات علمی در ایران را در چارچوب نظریات جامعه‌شناسی علم محدود نمی‌سازد و به‌ویژه در بخش نتیجه‌گیری، با رویکردی مقایسه‌ای تفاوت‌ها را ارزیابی می‌کند. تأکید این مطالعه بر رویکرد کنشگر اجتماعی، امکان شناخت کنشگری نخیکان علمی در شالوده‌ریزی جامعه علمی نوین ایران را توجیه می‌کند. رویکرد کنشگری اجتماعی، به هیچ وجه منکر ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیست، بلکه بر آن است تا نشان دهد که کنشگری نیز، لااقل از دید تجزیه و تحلیل روابط اجتماعی، بعدی مستقل و اثرگذار است. در واقعیت، کنشگری در رابطه‌ای تنگاتنگ با فرهنگ و اقتصاد و سیاست قرار دارد. این نوشتار نشان می‌دهد که پژوهشگران نخبه، چه دیدگاه‌هایی در مورد اجتماعات علمی در ایران دارند و بر مبنای تجارب خود، چگونه به آن می‌نگرند و ابعاد و مسائل گوناگون آن را چگونه ارزیابی می‌کنند. رویکرد ما با کاربرد مستقیم نظریه‌های پیش‌ساخته اجتماع علمی برای فهم وضعیت ایران، تفاوت‌های بنیادی دارد. براساس این رویکرد، نظر خود پژوهشگران در این زمینه که نشانگر برداشت آنان از تجارب خود در ارتباط با کنشگری اجتماعی‌شان می‌باشد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در این نوشتار، ذهنیت کنشگری در اندیشه‌ها و عملکردهای پژوهشگران نخبه، جست‌وجو می‌شود، و این ذهنیت با موضوع تکوین اجتماعات علمی در ایران در ارتباط

مستقیم قرار می‌گیرد و بر مبنای آن، ویژگی‌ها و مسائل این اجتماعات به روشی جدید و بر مبنای نظریات خود پژوهشگران ارائه می‌شوند.

امیدواریم این کتاب بتواند در جهت ارائه دانش مبتنی بر تجربه، میدانی برای افزایش دانایی نسبت به وضعیت موجود اجتماعات علمی و مشکلات و انتظارات استادان و پژوهشگران در ایران و بهبود فرایندها و محتواهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی با هدف پیشبرد توسعه علمی کشور مورد توجه و استفاده دانشگاهیان، پژوهشگران، صاحب‌نظران و مدیران رده‌های مختلف نظام علمی و پژوهشی قرار گیرد.

اجرای این پژوهش، تهیه مقالات و تبدیل آن به کتاب، مرهون همکاری های آقایان دکتر رضا منصوری، شاپور اعتماد، ابوالقاسم طلوع، مسعود مهرابی، مرحوم یحیی امامی می باشد و علاوه بر آن آقای هدایت‌الله جمالی‌پور و خانم‌ها آریتا منوچهری، مریم فلاح، مینا حاجیان و اعظم قلی‌بیگلو، در مراحل مختلف آماده‌سازی این کتاب همکاری داشته‌اند، که از همه آنان سپاسگزاریم. قابل ذکر است که مدیریت این پژوهش بر عهده فرهاد خسرو خاور و تبدیل دستاوردهای پژوهشی به صورت رساله حاضر با مسئولیت محمد امین قانع‌ی راد صورت گرفته است.

محمد امین قانع‌ی راد

فرهاد خسرو خاور